

بمناسبت سالگرد آبان ۹۸



نسان نوینیان

معیشت و تامین زندگی به مساله مهم و اول برای مردم و جامعه تبدیل شده است. اعتراض به زندگی در فقر و غیر انسانی و وسیع و گسترده در ابعاد میلیونی در جریان است. ویژه طبقه معینی نیست، طبقات و قشرهای اجتماعی وسیعی از کارگران، معلمین، پرستاران، بیکاران، دانشجویان و اقشار کم درآمد جامعه را در بر میگیرد.

شش ماهه اول سال ۹۹ گرانترین سال در ۳۰ سال گذشته گزارش شده. راه رفتن و زندگی سخت شده و زمخت! اما، گرانی و فشار بحران مالی که بر دوش کارگران و مردم سنگینی میکند رمق و شور مبارزه را از آنها نگرفته است. جامعه ایران با شور و شوق بالایی درگیر مبارزه علنی برای زندگی بهتر است! مردم میخواهند زنده بمانند. زنده ماندن به معنی تامین معاش و حقوق برای زندگی بهتر است. مردم میخواهند در مقابل هجوم بی رحمانه هیئت حاکمه و صاحبان قدرت خود را حفظ کنند، تعرض نکنند و مطالبات و تامین زندگی را تحمیل کنند.

در طول سالهای گذشته مردم در ایران در اشکال مختلف مبارزه کرده اند. پیشرفتهای قابل اتکایی داشته اند. اکنون مکانیسم زنده بودن به یک فرهنگ جمعی و مبارزاتی تبدیل شده. اعتصاب و تجمع های اعتراضی کارگران و معلمان، پرستاران و بازنشسته ها و دانشجویان تجارب خوب و قابل اتکایی

گرمی بیداد میکنند؛ مرغ کیلویی ۲۲ هزار تومان شده و تخم مرغ شانهای ۳۸ هزار تومان و سیب زمینی کیلویی ۴ هزار تومان شده است. در یکسال گذشته قیمت گوشت ده هزار تومان گران شده. هر کیلو گوشت گوسفندی (لاشه) از ۹ هزار تومان به ۶۰ هزار تومان و قیمت هر کیلو گوشت گوسفندی (ران بدون چربی) از ۶۳ هزار تومان به ۷۴ هزار تومان رسیده است. حقوق یک کارمند و کارگر با شغل ثابت در سال ۹۴ معادل ۲ سکه بود اما الان معادل یک ربع سکه شده است.

مردم توان خرید گوشتی و تیلت را ندارند. هزینه خرید با درآمد ماهانه و تامین سفره روزانه کار شاق و سخت مردم شده است. محرومیت از تحصیل چند میلیون دانش آموز که باید از طریق اونلاین تحصیل کنند در معرض خطر جدی قرار گرفته

صفحه ۲

دست جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم ترک از زندگی مردم کوتاه!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۶

حکومت اعدام ها باید در جهان طرد و منزوی شود!

صفحه ۲

حزب کمونیست کارگری ایران



اعتراض جمعی زندانیان سیاسی در زندان بزرگ تهران

صفحه ۳

حزب کمونیست کارگری ایران

شکستی دیگر برای امامان جمعه

صفحه ۳

رحیم یزدانیپرست

اعلام جرم احمد شروان علیه پلیس و حکومت اقیم کردستان! شما مرا که ۱۵ سال بیشتر نداشتیم به اتهام بی خدایی و کافر بودن شکنجه کردید. شرم بر شما!

صفحه ۴

ترامپ یا بایدن؟ ماندن جمهوری اسلامی - ادامه بدبختی مردم یا نابودی اسلام سیاسی؟

صفحه ۴

سلیمان سیگارچی

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

عزیزه لطفی

دو عاملی اصلی که خودکشی در ایران را گسترش میدهد

صفحه ۶

عبدال گلپریان

اطلاعیه های خبری حزب در مورد اعتصابات و اعتراضات کارگری

* روز جهانی معلم و بیانیته های معلمان، حمایت ۸۰ سندیکای جهانی از زندانیان سیاسی
* دومین روز تجمع اعتراضی کارگران اخراجی شرکت مپنا
* اعتراضات کارگری در چند مرکز نفتی
* خلع ید از اسدیگی یک موقتیت برای کارگران هفت تپه است
ادامه جدال کارگران نیشکر هفت تپه اخراج مدیران باند اسد بیگی توسط کارگران

صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حکومت اعدام ها باید در جهان طرد و منزوی شود!

اعدام يك قتل عمد دولتی است. هدف دولتها از اعدام مرعوب کردن و به تمکین کشاندن جوامع زیر سطله شان است. سلاح اعدام را باید از دست دولتها گرفت و برای همیشه مدفون کرد!

جمهوری اسلامی حکومت اعدام است و نمیتواند از اعدام دست بکشد. اعدام يك رکن مهم استراتژی بقا برای جمهوری اسلامی است. این حکومت با طناب دار و اعدام متولد شده است و با طناب دار میخواهد به حیات ننگین و خونینش ادامه دهد. این حکومت در همان دهه اول حیاتش با فتوای خمینی هزاران انسان معترض را در بیدادگاههای چند دقیقه ای به اعدام محکوم و قتل عام کرد. ابراهیم رئیسی، عضو هیئت مرگ آن دوره همین امروز رئیس دستگاه قضایی آدمکش این حکومت است.

حکومت اسلامی رکورددار اعدام است اما هرگز نتوانسته است مردم معترض را مرعوب کند. علیرغم همه این همه جنایاتش، اعتراض واعتصاب و مقابله با همه جلوه های این حکومت توسط کارگران و زنان و جوانان به داستان زندگی روزمره مردم و حکومت تبدیل شده است. دیمه ۹۶ و آبان ۹۸ مردم معترض در صدها شهر علیه جمهوری اسلامی پیاختند و با شعار سرنگونی حکومت با نیروهای سرکوب این حکومت در خیابانها مقابله کردند. صدها نفر به در خیابانها قتل عام شدند، هزاران معترض در زندانها هستند و جمهوری اسلامی قصد دارد با احکام اعدام جامعه را مرعوب کند! اما اگر حکومت اسلامی رکورددار اعدام است، جامعه ایران هم رکورددار جنبش علیه اعدام است. کمپین گسترده علیه اعدام هر روز بیش از پیش گسترده تر و قدرتمندتر میشود. همبستگی برای نجات جان محکومین به اعدام در میان مردم موج میزند. هرگاه حکومت اسلامی قصد میکند حکم اعدام يك انسان را اجرا کند، موجی از انسانهای شریف و انساندوست در ایران و جهان

کمپین نجات انسانها از دست قاتلان حکومت اسلامی راه میاندازند. این جنبش آنقدر قدرتمند است که سران حکومت را بارها وادار کرده است انسان کشی اش را با نسبت دادن يك قتل به يك متهم در دادگاههایی که بازجو و دادستان و قاضی خود قاتلان حرفه ای حکومت هستند - به نام قصاص اجرا کند و بارها و بارها خانواده های شریف و انساندوست حاضر نشده اند قصاصی انجام گیرد و جان متهم نجات پیدا کرده است!

آخرین مورد قتل نوید افکاری بود. قهرمان کشتی، انسانی که به قول خودش سکوی قهرمانی کشتی را ترک کرد و قهرمانی در سکوی شرافت و آرمانهای انسانی را انتخاب کرد؛ معترضی جسور و حق طلب که به اعتراض مردم در خیابانها پیوست، به جرم محاربه با حکومت اسلامی به مرگ محکوم شد اما حکومت اسلامی قتل يك مامور امنیتی اش را به او نسبت داد تا به نام قصاص جانش را بگیرد!

قتل نوید اما به تف سربالا برای آیت الله های جنایتکار تبدیل شد. نوید افکاری يکه و تنها در مقابل قضات بیرحم حکومت اسلامی ایستاد و مضحکه ای به نام دادگاه را به يك محاکمه جهانی کل نظام قضایی مافیایی جمهوری اسلامی تبدیل کرد. قتل نوید جنبش علیه اعدام را گامهای بلندی به جلو کشید. این جمله تاریخی نوید که «برای طنابشان دنبال يك کردن میگردند» فوراً در دل میلیونها انسان در ایران و جهان نشست و به جنبش علیه اعدام که سالهاست در میان مردم ریشه گرفته است قدرت بیشتری داد. جنبشی که قصد دارد اعدام این ابزار جنایت علیه جان و زندگی مردم و بقا برای لاشه متعفن جمهوری اسلامی را از دست حکومت بگیرد و نه تنها جان انسانها را نجات دهد بلکه به عمر ننگین آن هم پایان دهد.

جنبشی که برای نجات جان نوید افکاری به راه افتاد و مرزهای

ایران را در نوردید، ادامه يك تقابل بنیادی و تعطیل ناپذیر میان دو نیرو است: از يكطرف جمهوری اسلامی که باید بکشد تا نابودی کامل لاشه متعفنش را شاید کمی عقب بیاورد، و از طرف مقابل جنبشی برای پایان دادن به اعدام و سرنگونی کامل این حکومت.

جنبش علیه اعدام در ایران حلقه ای مهم از جنبش سرنگونی است. بعد از قتل عام موشکی ۱۷۶ مسافر در آسمان ازجرا از حکومت اسلامی جهانی شد، و سپس حکم اعدام و قتل نوید افکاری نفرت علیه جمهوری اسلامی را بیش از پیش جهانی کرد. ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام فرجه ای است برای برافراشتن پرچم انزوای سیاسی و هنری و ورزشی جمهوری اسلامی در سطح جهانی.

حکومت اسلامی يك حکومت آپارتاید جنسی، ضد زن و ضد انسان است. این حکومت را در جهان باید به وضعی بیاننازیم که مثل حکومت نژاد پرست آفریقای جنوبی از همه نهادهای سیاسی، ورزشی، هنری و علمی جهان بیرون انداخته شود. به یمن کمپین جهانی علیه اعدام در جمهوری اسلامی، هم اکنون موجی از اعتراض توسط نهادهای دولتها و شخصیتهای سیاسی و ورزشی و هنری برای انزوای حکومت اسلامی شروع شده است. به یمن این جنبش قدرتمند و ازجرا و نفرت مردم جهان است که دولتهای فرانسه و آلمان و انگلستان ناگزیر شدند به جمهوری اسلامی اعتراض کنند و سفر وزیر خارجه شارلاتان جمهوری اسلامی به آلمان و فرانسه را لغو کنند! به یمن جنبش اعتراضی علیه اعدامها در ایران است که ۴۷ کشور عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل جمهوری اسلامی را بخاطر جنایاتش محکوم کردند. مردم ایران میتوانند يك حکومت منزوی در جهان را آسانتر و سریعتر به زیر بکشند.

حزب کمونیست کارگری، با تمام توان و با تمام امکاناتش برای راندن حکومت اسلامی به چنین موقعیتی مبارزه میکند و از مردم انساندوست و از همه نهادهای سازمانهای چپ و آزادیخواه در جهان، و از همه مردم آزاده ایران و

از صفحه ۱

بمناسبت سالگرد...

در شکل دادن به سنت اعتراض جمعی است. مردم میدانند؛ نیازهای انسانی و واقعی آنها سلب شده. در حدود نه ماه گذشته تا کنون بیماری کرونا جان هزاران نفر از آنها را گرفته است. قرنطینه بدو تامین معاش را تجربه میکنند. بحران کرونا زندگی هزاران نفر را متلاشی کرده است. مردم میدانند؛ حقوق و معاششان زیر چند برابری خط فقر است. فرزندان تحصیل کرده آنها فاقد فرصت شغلی هستند، دسته دسته کارگران بیکار میشوند، مراکز کار و کارخانه ها تعطیل میشوند، حق مسکن و مزایای پزشکی و دارو و معالجات سر به فلک کشیده، قدرت خرید کمتر و کمتر شده، سفره های مردم رنگین نیست. مردم اینها را میدانند. برای خلاصی از دست نظام جمهوری اسلامی بارها دست به اعتراض و مبارزه زده اند. مردم اعتراضات توده ای و کوبنده در دی ماه ۹۶، اعتراضات ۹۷ و آبان ماه ۹۸ علیه گرانی و دی ماه ۹۸ را تحریه کرده اند. مبارزه برای زندگی انسانی و رهایی از شر حکومت اسلامی همگانی است. اعتصابات و مبارزات کارگران بشکل مداوم و رو در رویی آنها با حکومت اسلامی و کارفرماها و بخش خصوصی و دولت در اشکال سراسری و در مراکز تولیدی در جریان است. اعتصابات و تجمعات بیش از سه ماه کارگران نیشکر هفت تپه، اعتصاب سراسری کارگران بیمانی صنعت نفت در بیش از سی مرکز صنعتی و همزمانی این اعتصابات اشکال سراسری مبارزاتی است که در جریان

کلیه تشکل های مردمی، فعالین و نهادهای جنبش کارگری، جنبش دادخواهی و سایر جنبشهای حق طلبانه در ایران دعوت میکنند که برای پایان دادن قطعی به اعدام در ایران، برای آزادی زندانیان سیاسی، برای پایان دادن به عمر یکی از

شرایط کنونی تند پیچ مبارزه برای معیشت و زندگی بهتر است. مردم در ایران دوره بسیار سخت و پر از تنش و اعتراض را تجربه میکنند. دوره خوشبینی و اتکا به تجمع وسیع و توده ای، اعتماد و باور بقدرت اعتراض جمعی تجربه میشود. این دستاورد مهمی است. هیچکس تردید ندارد که حکومت و اقتصاد سرمایه داری در ایران دچار يك بحران عمیق است و جامعه ایران در آستانه تحولات سیاسی تعیین کننده ای قرار گرفته است

در آستانه سالگرد اعتراضات کوبنده و سراسری کارگران و مردم در آبان ماه ۹۸ هستیم. باید از هم اکنون آماده باشیم. اعتراضات آبان و دی ماه ۹۸ با مبارزه خیابانی علیه گرانی شروع شد. به شعار نابود باد حکومت اسلامی رسید. مردم در چند شهر کردستان با شور و شوق زیاد با اعتراضات کوبنده در آبان و دی ماه ۹۸ در خیابانها بودند. زنان و جوانان نقش مهم و تعیین کننده ای داشتند. حضور زنان بسیار برجسته و پررنگ بود. به این دلیل به لیدر اعتراضات تبدیل شدند. در اینروزها که به آبان نزدیک میشویم لازم است بفرکر سازماندهی شبکه و کانالهای تلگرامی در جهت سازمان دهی در محلات و شبکه های وسیع اعتراضی باشیم و خود را آماده کنیم. هر تکه جرقه و بمیدان آمدن مردم میتواند شروع دوره نوینی از اعتراضات در گرامیداشت اعتراضات آبان و دی ماه ۹۸ باشد.

۱۶ مهر ۱۳۹۹

۱۷ اکتبر ۲۰۲۰

بزرگترین ماشینهای اعدام در جهان یعنی جمهوری اسلامی، به صف مبارزه برای طرد و انزوای جهانی رژیم اعدام در ایران پیوندند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ مهر ۱۳۹۹

۲۹ سپتامبر ۲۰۲۰

برای پایان دادن قطعی به اعدام در ایران، برای آزادی زندانیان سیاسی، برای پایان دادن به عمر یکی از بزرگترین ماشینهای اعدام در جهان یعنی جمهوری اسلامی، به صف مبارزه برای طرد و انزوای جهانی رژیم اعدام در ایران پیوندند.

اعتراض جمعی زندانیان سیاسی در زندان بزرگ تهران

شکستی دیگر برای امامان جمعه



رحیم یزدانپرست

نمایندگان و سخنگویان ولی فقیه جمهوری اسلامی مجبوره عقب نشینی میشوند به اعتراضات و اعتصابات طولانی مدت و متشکل و قدرتمند با خواست های رادیکال و پیگیر کارگران نیشکرهفت تپه نگاه کنید که دستگاه مخوف جنایتکار را مجبور کردند تحت فشار این اعتراضات دزد و مفتخور مورد حمایت رژیم، اسد بیگی را خلع ید کنند، متعاقب آن نمایندگان کارگران را بپذیرند و در مجلسشان اسلامی شان بر سر آن جلسه برگزار کنند. اینها و دهها نمونه دیگر را میتوان برشمرد تا وضعیت بهم ریخته حکومت جهل و خرافات، سرکوب و شکنجه و اعدام را دریابید.

دور نیست آن روز که سمبلهای اسلامی مذهبی و آخوندی از سر راه مردم تشنه رفاه، آزادی و مدنیت جارو شود و مردم برای همیشه از شر خرافه های اسلامی خلاص شوند و این حکومت را بزیر بکشند و زندگی انسانی و کاملاً آزاد داشته باشند.

۱۴ مهر ۹۹

۵ اکتبر ۲۰۲۰

"باید فضای جامعه را برای بی حجاب ها نا امن کرد". این اراجیف امام جمعه بروجرد است که هنوز جوهر کاغذ آن خشک نشده بود تحت فشار اعتراضات مردم آنرا پس گرفت و در توجیه این عقب نشینی اظهار داشت که، "از سخنانش برداشت غلط شده است".

اگر قرار باشد در جامعه نا امنی برای کس یا کسانی ایجاد شود این آیت الله های مفتخور دستگاه و قوانین اسلامی هستند که باید شرشان را از سر مردم کم کنند تا دیگر جرئت نکنند چه در جامعه و چه در میان افکار عمومی با سمبل های اسلامی ظاهر و اعلام حضور کنند.

تا دیروز اسید پاشی به صورت زنان و در کنار آن هزارو یک نوع نهی از منکر بسیج و گارد ویژه را بکار بردند تا بخيال خودشان حریف مردم بشوند اما امروز دست از پا درازتر همچون بقیه سیاست های شکست خورده شان اینبار هم بشکست خودشان اعتراف میکنند و از حرفهای خود عقب نشینی میکنند.

به این منظره نگاهی بیندازید تا وضعیت جمهوری اسلامی را ببیند که تحت فشار اعتراضات بجا و به حق مردم به چه روزی افتاده و هزبان گویانش مجبور میشوند اینگونه عقب نشینی کنند و به لکت زبان بیافتند.

این تنها موردی نیست که

اعلام همبستگی کردند. ناصر مرادی به دلیل فشارهای مداوم و ایجاد شرایط جهمی دستگاه های امنیتی به خانواده و تهدید اعدام فرزندش، دست به خودکشی زد.

حمله سازمان یافته به بند زندانیان سیاسی در زندان فشافویه چیزی بجز استیصال و درماندگی حکومت اسلامی در مقابل موج همبستگی و مقاومت و ایستادگی شجاعانه زندانیان سیاسی نیست. نه تنها دستگیری و زندان های دراز مدت از عزم آنان نکاسته است، بلکه شاهد همبستگی عمیق تری بین جامعه و زندانیان سیاسی هستیم. اکنون جهان صدای اعتراض مداوم و به حق زندانیان سیاسی و خانواده های نگران آنان علیه حکومت اسلامی را شنیده است. بایکوت بین المللی جمهوری اسلامی در همه ابعاد سیاسی و اجتماعی و هنری و ورزشی پاسخ فوری و لازم و درخوری است که باید بصورت عاجل عملی و هرچه وسیعتر ادامه یابد.

حزب کمونیست کارگری ایران، رفتار وحشیانه مسئولین و مأموران گارد ویژه زندان بزرگ تهران را شدیداً محکوم می کند و خواهان دخالت فوری مجامع بین المللی بویژه سازمان عفو بین الملل و دفتر حقوق بشر سازمان ملل برای رسیدگی اضطراری به این موضوع است.

فشارهای سیستماتیک به

زندانیان سیاسی و خانواده های آنان باید فوراً خاتمه یابد و کلیه زندانیان سیاسی بدون درنگ و بی قید و شرط باید از زندان آزاد شوند. حزب اعلام میکند جمهوری اسلامی بخاطر جنایاتش از جمله در قبال زندانیان سیاسی باید در جهان منزوی شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ مهرماه ۱۳۹۹

۵ اکتبر ۲۰۲۰



ابتدایی ترین امکانات زیستی است معنایی جز انتقام گیری و ایجاد محدودیت بیشتر و به خطر جدی انداختن جان زندانیان سیاسی ندارد. در واکنش به این خشونت سازمان یافته، این زندانیان در اقدامی جمعی و اعتراضی از دریافت غذای زندان خودداری کردند. تکرار اعمال جنایتکارانه مسئولین و مأموران زندان فشافویه کاملاً آگاهانه و سازمان یافته است. کشته شدن زندانی سیاسی علیرضا شیرمحمدعلی جوان ۲۱ ساله در همین زندان، یکی از ده ها جنایت سازمان یافته در این زندان است. فشار بر زندانیان سیاسی و طاقت فرساتر کردن وضعیت زندانیان سیاسی در فشافویه ادامه همین سیاست ضدبشری علیه فعالین کارگری، معلمان زندانی و معترضین آبانماه است که همچنان با شجاعت و جسارت تحسین پرانگیز بر اعتراضات خود پافشاری می کنند.

دو روز پیش از این یورش سازمان یافته، محمد حبیبی و شاپور احسانی راد به همراه بیش از ۷۰ نفر از زندانیان سیاسی با ارسال پیامی همبستگی و تسلیم خود را به مناسبت درگذشت ناصر مرادی، پدر امیرحسین مرادی از معترضین دستگیر شده آبانماه را که زیر خطر اعدام است، تسلیم گفته و با او

خشونت سازمان یافته به زندانیان سیاسی در زندان فشافویه محکوم است و باید فوراً خاتمه یابد روز پنجشنبه ۱۰ مهرماه مأموران گارد ویژه زندان فشافویه «زندان بزرگ تهران» با یورش ناگهانی به داخل تیپ ۵ این زندان که محل حبس زندانیان سیاسی شناخته شده ای از جمله محمد حبیبی معلم زندانی، شاپور احسانی راد عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران و دستگیر شدگان خیزش آبانماه ۹۸ است، ۹۰ نفر از زندانیان سیاسی با توسل به زور بدون اینکه فرصتی برای جمع آوری وسایل خود داشته باشند به سالی در تیپ ۲ زندان منتقل شدند. مسئولین زندان علت این امر را اجرای قانون تفکیک جرائم و جداسازی زندانیان سیاسی از زندانیان جرائم عمومی اعلام کرده اند. بدیهی است که این یورش و رفتار وحشیانه و غارت اموال و امکانات زیستی زندانیان هیچ ربطی به اجرای این اصل ندارد.

زندان فشافویه به لحاظ تراکم زندانیان و نبود امکانات بهداشتی و رفتار وحشیانه مأموران زندان از بدنام ترین زندانهای کشور است. با شیوع و گسترش ویروس کرونا در زندانها، انتقال ۹۰ زندانی سیاسی به مکانی بسیار نامناسبتر که تنها شامل سه اتاق کوچک و شدت غیربهداشتی و کثیف و فاقد

فشارهای سیستماتیک به زندانیان سیاسی و خانواده های آنان

باید فوراً خاتمه یابد

و کلیه زندانیان سیاسی بدون درنگ و بی قید و شرط

باید از زندان آزاد شوند.

حزب اعلام میکند جمهوری اسلامی بخاطر جنایاتش از جمله

در قبال زندانیان سیاسی باید در جهان منزوی شود.

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید

ماهواره یاه ست

فرکانس : 12073

پولاریزاسیون : عمودی

سیمبل ریت : 27500

اف ای سی : 5/6

اعلام جرم احمد شروان علیه پلیس و حکومت اقیم کردستان! شما مرا که ۱۵ سال بیشتر نداشتم به اتهام بی خدایی و کافر بودن شکنجه کردید. شرم بر شما!



نامه ی سرگشاده

به کارمندان اداره پلیس محله (راستی)

و زندان زنان و جوانان در اربیل

احتمالاً شما مرا به یاد نخواهید آورد ، اما من از خاطرات شما خلاص نخواهم شد. شبها را با خاطراتی که در حافظه من حک شده ، به روز میروم.

این تاریخ به اندازه روز تولد من برای من مهم است: من در ۱۶ اکتبر سال ۱۹۹۸ به دنیا آمدم و در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۳ از مرگ ترسیم.

پدرم گزارش مرا به شما داد ، زیرا مرتد شده بودم. او فکر کرد که می توانید مرا مجبور کنید به اسلام برگردم. شما فقط به من نشان دادید که هیچ خدایی وجود ندارد.

شما به خانه ما آمدید و من را با لباس خواب با خود بردید. من التماس می کردم ، اما شما به درخواستهای من توجهی نمی کردید.

زیرا وقتی پدري فرزند خود را به ارادل و اوباش می سپارد ، آنها طبعاً مجوز دارند هر آنچه میخوانند با من بکنند. پس چرا باید شکایت کنم؟

مرا در اداره پلیس کتک زدید ، با مشت و لگد ، کف پاهای برهنه من را با کابل زدید شوک الکتریکی بر من وارد کردید ، نه کوتاه مدت ، بلکه مدتی طولانی ، بلکه ساعتها .

شما مرا مانند میمون رقصانید: «آیا به داروین اعتقاد داری؟ آیا ما میمون هستیم پس مثل میمون برقصد! توی کافر!»

پس از آن ، من به زندان منتقل شدم. در

اینجا من دوباره کتک خوردم ، با کابل شلاق خوردم. مثل توپ فوتبال مرا لگد مال کردید ، همه جا.

وقتی یکی از شما اسلحه ای به سر من گذاشت و تهدید کرد که ماشه را می کشد ، فکر کردم شاید بهتر است این درد تمام بشود . اما شما فقط مرا شکنجه میکردید . شما مرا در سلول انفرادی حبس کردید.

اتهام من مقابله با اقتدار دولت بود. مقاومت. من ۱۵ ساله ، کوتاه قد و لاغر بودم. همه شما بزرگ بودید شما همه قد بلند و قوی بودید.

بعد از آن ، روزها نمی توانستم راه بروم و به سختی از چشمان متورم خودم دنیا را نگاه می کردم. همه جای بدنم کبود شده بود.

من مجبور شدم نماز بخوانم ، مجبور شدم در کنار قاتلان و متجاوزان ، که از نظر آنها من ، کافر ، بزرگترین جنایتکار بودم ، نماز بخوانم. کمتر از ۲۴ ساعت از دستگیری من گذشته بود که کل زندان از کافری در يك سلول خبر داشت.

دادگاه من در اول ژوئن ۲۰۱۴ ، در روز جهانی کودک قرار گرفت. يك اتفاق عجیب. شاید به همین دلیل است که پرونده من بسیار شناخته شده و به رسانه ها راه یافت.

در تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۱۳ ، با قرار وثیقه زودتر آزاد شدم و جلسه دادرسی بعدی تعیین شد.

می توانست همه چیز اینگونه به پایان برسد. اما تا آن زمان من چنان چهره معروفی شده بودم که مجبور شدم کشور را ترک کنم. چون در عین اینکه خیلی ها با من همبستگی نشان دادند - # ما همه احمد هستیم_اما تعداد زیادی هم آرزوی مرگ مرا داشتند - # اعدا_احمد.

من هرگز نمی خواستم به آلمان بروم. اما تصمیم گرفتم اینجا بمانم. دلنگی کردم. تنها و پریشان بودم. هر شب چهره های شما را می

دیدم و لگد و ضربات شما را احساس می کردم. دوباره و دوباره.

من به خاطر آن از شما متنفر شدم و پر از ترس و عصبانیت شدم. سعی کردم خودم را بکشم اما نتوانستم. باید زندگی را ادامه می دادم.

شبها در تختخوابم دراز می کشیدم و تصور می کردم که چگونه باید بشما پاسخ مناسب بدهم. وقتی از يك کابوس خیس عرق بیدار میشدم ، می خواستم انتقام بگیرم.

اما این ایده باعث رضایت من نشد. من ترس غیرقابل توجیهی داشتم ، از شما عصبانی بودم و از اسلام و همه چیز مربوط به آن متنفر بودم.

سیس من افرادی را شناختم که دقیقاً مثل من بودند. مثل من وقتی صدایی می شنوند یا چیزی می بینند درست مثل من ترس از صورتشان هویدا است.

بسیاری نه فقط برای چند هفته بلکه برای سالها رنج کشیده بودند: در طول جنگ ، در اتاق های شکنجه یا در خانواده های خود.

من خوش شانس بودم که با شما آشنا شدم و نه با آسایش . من زنده بیرون آمدم و می توانم زندگی کنم و بهبود یابم اما من افرادی را می شناسم که برای همیشه نابود شده اند.

ترس ، خشم و نفرت با کلمات ، ضربات و اسلحه و خشونت از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود.

چقدر غم انگیز است این چرخه. چقدر وحشتناک است که کودک را بزنیم. يك باور چقدر باید ضعیف باشد که خود رشد نکند و مجبور میشوید آنرا با خشونت و زور اجرا کنید.

من شش سال است که به اربیل نمی روم. نمی دانم آیا هرگز به آنجا برمی گردم یا نه. دلم برای شهر تنگ شده و از آن می ترسم.

اخیراً عکسهایی از زندان دیدم و بسیار گریه کردم. مدتهاست که قطره ای اشک

نمی توانم بریزم ، اما این بار از اینجا برای آن کودک ، که خودم بودم ، گریه کردم.

اگر با من با مهربانی و درک رفتار می کردید چه اتفاقی می افتاد؟ اما این احتمالاً فراتر از تصور شما بود.

من تجربیاتم را در يك کتاب نوشته ام که در آن من از کودکی ام در کردستان و تجربیاتم با شما می گویم. من در مورد فرار و مشکلاتم در آلمان گزارش می دهم.

من همچنین در مورد نژادپرستی می نویسم و اینکه چقدر آن دیگری بودن سخت است. نه تنها برای مرتدین و کافران ، بلکه همچنین برای همجنسگرایان و LGBT.

بسیاری از من به خاطر این کار متنفر هستند ، اما تعداد خیلی بیشتر از من دفاع و تشکر میکنند. من صدای بی صدایان شده ام. من سعی می کنم به جای کاشت نفرت ، پل بزنم.

نمی خواهم مثل تو باشم. من سعی می کنم درك کنم تا اینکه خشونت را تکرار کنم. دیگر ترس و عصبانیت را نمیخواهم. برای من در اینجا اتفاقات خوبی افتاده که درد و رنج مرا مرهم می نهد.

من برای پدر و مادرم بسیار شرم آور هستم. دلم برای زمانی تنگ شده که پسر محبوبشان بودم. من برای همه ما همه خانواده ام گریه می کنم. چون که من هنوز آنها را دوست دارم آنها چیز دیگری نمی نشانند و تقصیر خودشان هم نیست که چنین کردند. من برای شما هم عزاداری میکنم ،

منم عزادارم چه عصبانیتی شما را اسیر کرده است. من عصبانیتم از شما را پرت میکنم . من خودم را آزاد میکنم و تو را می بخشم.

برگرفته از صفحه فیسبوک
مینا احدی

تراپ یا بایدن؟ ماندن جمهوری اسلامی - ادامه بدبختی مردم یا نابودی اسلام سیاسی؟



سلیمان سیگارچی

مگر بایدن غیر از این می خواهد. مگر بایدن می خواهد جمهوری اسلامی را سرنگون کند؟ نه بایدن می خواهد جمهوری اسلامی بماند ، برجام را بر گرداند و صفحه ۵

مگر ناسیونالیست پرو غرب ایرانی و اپوزیونی که نمی خواهد انقلاب شود ، ساختار سیستم سرمایه داری در ایران تغییر کند ، ارتش و سپاه دست نخورد (فقط سرانشان - تندرها حذف شوند). اعدا لغو نشود و مذهب رسمی کشور همان شیعه اثنی عشر بماند. به قول منصور حکمت در کنگره ۳: " ما که شما را می شناسیم به محض اینکه کارگر اعتصاب کند پلیس را میفرستید که سرکوبش کنید."

بورژوازی سرنگونی طلب برای بازگشت سلطنت یا فرم دیگری از سرمایه داری به آمریکا و عربستان چشم دوخته است و توهم پراکنی می کند که شاید دولت ترامپ کار جدی برای حذف جمهوری اسلامی بکند. ترامپ در ژاپن گفت که اگر جمهوری اسلامی رام شود مشکلی باهاش ندارد و نمی خواهد سرنگونش کند. ترامپ در فکر مقاصد سیاسی و اقتصادی آمریکا و سرمایه داری جهانی است. ما به این توهم نداریم.

بخصوص در ایران سیاست سرمایه داری جهانی است. دولت آمریکا در ۱۳۸۸ به خوبی نشان داد که حامی تغییر و تحول اساسی و بنیادی نیست طوری که مناسبات اقتصادی سرمایه داری بهم بریزد و مردم در قامت شوراها سرنوشت خودشان را بدست خودشان رقم بزنند. تا امروز جمهوری اسلامی بهترین گزینه آمریکا و کشورهای جی ۷ (۲۰) است. در این میان جناح راست

نه سرمایه داری جهانی و نه دولت آمریکا به فکر کارگران و مردم ایران نیستند. دلیل اصلی سرکار آوردن خمینی و تقویت اسلام سیاسی در ایران جلوگیری از نفوذ چپ و کوبیدن انقلاب بوسیله ضد انقلاب بود. ایران بعنوان يك کشور حاصلخیز کشاورزی و تولید نفت یکی از کشورهای ثروتمند خاورمیانه است. مدل کار ارزان و کارگر خاموش و پشتیبانی از حکومتهای سرکوبگر در منطقه و

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه نطفی



انتقال زینب جلالیان به زندان کرمانشاه و وضعیت نگران کننده سلامتی او



مرضیه ابراهیمی، اهل اصفهان است که شش سال پیش در مهر سال ۹۳ قربانی اسیدپاشی شد؛ درباره تازه ترین اظهارات امام جمعه اصفهان گفت:

اگر می‌خواستند رعب و وحشت در دل من و بقیه به وجود بیاورند، به شدت موفق بودند. آسیبی که به ما وارد کردند، وحشتناک بود. احساس خشم دارم، احساس غم و ناامنی و وحشت دارم. اینکه هر لحظه امکان دارد دوباره این اتفاق بیفتد و مهم نیست هدفش من نباشم. شش سال پیش زندگی‌مان نابود شد، صورت و سلامت و زیبایی ما و تمام زندگی ما از بین رفت. مادران ما پیر شدند. تمام آرزوهای ما و همه چیزهایی را که یک زن ۳۰-۲۰ ساله آرزو دارد، نابود کرد.

صحبت های نرگس محمدی زندانی سیاسی در پاسخ به سخنان تهدیدآمیز امام جمعه اصفهان

آقای امام جمعه اصفهان اگر آزاد بودم باز به همراه دوستان بر علیه سخنان زن ستیز شما جمع می‌کردم. الان هم در زندان زنجان که تبعیدی هستم به این سخنان اعتراض می‌کنم. هر ناامنی عمومی بر زنان متوجه سخنان شما است. تکذیب دو پهلو هم کافی نیست.

تأیید حکم پنج سال حبس برای ژنرال مکوندی در دادگاه تجدید نظر



ژنرال مکوندی زندانی سیاسی پیشین که پیشتر در سال ۸۸ به دوسال حبس محکوم شده بود. هم‌اکنون با حبسی ناعادلانه در شعبه ۲۹ به ریاست قاضی مظلوم مواجه

شده است. وی در تاریخ ۲۱ آبان ۹۸ در حوالی پارک لاله توسط اطلاعات سپاه دستگیر و پس از بیست روز بازداشت با وثیقه سیصد میلیونی از بند دو الف آزاد شد. این زندانی سیاسی در دادگاهی غیبی به پنج سال حبس به اتهام اقدام علیه امنیت و یکسال تبلیغ علیه نظام محکوم شد. که این رای مورد اعتراض و کیل او بابلک پاک نیا قرار گرفت. دادگاه رسیدگی به این پرونده در تاریخ دوم شهریور ۹۹ در شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مظلوم تشکیل و رای عینا تایید شد.

ابتلاء سمانه نوروز مرادی به سرطان سینه



سمانه نوروز مرادی زندانی سیاسی که در اوین دوران محکومیت خود را می‌گذراند به سرطان سینه مبتلا شده و نیاز فوری به جراحی و درمان دارد. علیرغم اینکه از بیماری لویوس مفصلی، دیابت، سنگ کلیه و ورم روده رنج می‌برد، به سرطان سینه مبتلا شده است و علیرغم اینکه این زندانی سیاسی شرایط تحمل حبس در زندان را ندارد، مقامات قضایی و امنیتی توجهی به وضعیت جسمی این زندانی نمی‌کنند و وی تاکنون از حق درمان محروم مانده است.

فریبا عادلخواه زندانی سیاسی با پایبند الکترونیکی به مرخصی رفت.

روز شنبه ۱۲ مهر ماه ۱۳۹۹، فریبا عادلخواه، شهروند دو تابعیتی و زندانی سیاسی پس از تودیع وثیقه با پایبند الکترونیکی به مرخصی اعزام شد. او پس از تودیع وثیقه و نصب پایبند الکترونیکی به مرخصی اعزام شد. این زندانی سیاسی در حال سپری کردن حبس تعزیری ۵ ساله خود است.

سعید دهقان، وکیل مدافع فریبا عادلخواه ضمن اعلام این خبر در صفحه شخصی خود نوشت: "فریبا عادلخواه با پایبند الکترونیکی به مرخصی آمد. البته او هم باید بطور کامل آزاد شود.

ترامپ یا بایدن... از صفحه ۴

اسلام سیاسی را تقویت کند. کسی که در مقابل فاشیسم ترامپ پشت بایدن می‌رود خاک به چشم مردم گرسنه و معترض ایران می‌باشد. عمر جمهوری اسلامی را مثل اوایاما دراز (بلند) می‌کند.

این شعار طیف به اصطلاح چپ است: مرگ بر فاشیسم ترامپ، زنده باد بایدن. اگر بایدن بخواهد برجام را برگرداند و مثل اوایاما یک فروند هواپیمای پر از دلار به جمهوری اسلامی بدهد تا برای چند صباحی دیگر نجاتش دهد، و بار دیگر نویدها اعدام شوند و کارگر هفت تپه خودکشی کند و پول نداشته باشد برای فرزندش شیر بخرد، عده ای که پشت سر این سیاست رفته اند عملاً خاک به چشم مردم می‌باشند. خاک به سر این سیاست و این چپ از جمله باب آوآکیان، نایاک و مریم زمانی. فکر می‌کنند آن پول به جیب کارگران می‌رود. مگر این سیاست با حرفهای روحانی که گفت، هر چه لعنت دارید به کاخ سفید بفرستید و تقصیر ترامپ است، فرق هم دارد؟ گویا اصلاً تقصیر اسلام سیاسی نیست. اصلاً فرض کنیم گروه‌های نیابتی حزب الله لبنان، حشد الشیبی، سپاه فاطمیون و زنبیون و حوثی ارتباطی با جمهوری اسلامی ندارند. به بهانه جنگ جمهوری اسلامی در خاورمیانه بر علیه "امپریالیسم آمریکا" در کنار جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند. آیا توانش را دارید و جراتش را دارید هم با اسلام سیاسی جمهوری اسلامی بکنجید و هم بر علیه "فقط امپریالیسم آمریکا" بکنجید؟ نه

امپریالیسم انگلیس، روسیه و چین! تضاد عمده فعلاً مبارزه با "امپریالیسم آمریکا" است. مردم ایران و کارگران و پیشروان طبقه کارگر مطمئن هستند که هیچ کدام از کشورهای سرمایه داری جنگ جدی با جمهوری اسلامی ندارند. اگر جمهوری اسلامی از سیاست دخالتگری در منطقه و پشتیبانی سربازی، مالی و

تروریست اسلامی دست بردارد، و اگر از غنی کردن اورانیم بیش از ۵/۵ یا ۵ درصد دست بردارد و اسرائیل را تهدید نکند، می‌تواند بماند. آمریکا و سران کشورهای دیگر مشکلی با حقوق کودک و کودکان کار، حقوق زن و حجاب اجباری، حقوق اقلیت‌های قومی مثل کردها و مذهبی مثل بهایان ندارند. آنها چشمپاشان به روی تمام ترورهای خارج کشور و نیروهای اپوزسیون در کردستان عراق را بسته اند. آیا سازمانهای حقوق بشر از وضع اعدامها و زندانها و شکنجه‌ها و کشتار آبان خبر ندارند؟ آنچه مسلم است نیروهای چپ و آزادیخواه و کمونیستهای کارگری بویژه حزب کمونیست کارگری سرنگونی طلب با راستهای سرنگونی طلب دشمن مشترکی پیدا می‌کنند. و مبارزه دو جنبش متفاوت راست و چپ برای سرنگونی جمهوری اسلامی به معنای هیچ سیاست همه با همی نیست.

اما قوا و تبلیغات و متشکل کردن نیروهای مخالف رژیم از طرف هر کدام و نقاط مثبت و منفی هر کدام از این جنبشهای سرنگونی طلب فاکتور مهمی در سرنگونی جمهوری اسلامی دارد. پلاتفرم راستها مشخص است، اما تنها نیرویی که در گرفتن قدرت سیاسی و شرکت در انقلاب مردم زحمتکش را دارد حزب کمونیست کارگری است. انقلابی که اکثریت مردم در آن شرکت خواهند کرد اما رهبری آن باید در دست کارگران باشد. تا بتواند برنامه خودش را پیاده کند. در غیر اینصورت راستها جایگزین رژیم خواهند شد و آتش همان آتش و کاسه همان کاسه خواهد شد. و باز طبقه کارکن باید از بام تا شام کار کند و آخر ماه شش اش گرو هفتش باشد.

زنده باد سوسیالیسم
اکتبر ۲۰۲۰

دست جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم ترک از زندگی مردم کوتاه!



جنگ بین دولت های ناسیونالیست آذربایجان و ارمنستان در منطقه قره باغ و کشتار ساکنین این منطقه، بهانه و فرصت جدیدی برای عرض اندام ناسیونالیسم ترک در ایران ایجاد کرده است. توپ باران مناطق مسکونی و کشتار مردم، چه از طرف دولت ارمنستان و چه از طرف دولت آذربایجان، اقدامی جنایتکارانه و از نظر وجدانهای بیدار انسانی کاملاً محکوم است. به این کشت و کشتار باید بلافاصله و بدون قید و شرط پایان داده شود و نیروهای نظامی از مناطق اشغالی بیرون کشیده شوند تا مردم ساکن در منطقه قارا باغ درآرامش کامل فرصت داشته باشند در مورد اداره امور منطقه به یک راه حل انسانی دست یابند.

آنچه که برای دولت های ارمنستان و آذربایجان، ناسیونالیسم ترک و ارمنی، و آتش بیاران این جنگ مهم نیست و برایشان ارزشی ندارد، جان و زندگی انسانهای ساکن در منطقه قره باغ، و حتی جان و زندگی شهروندان ترک زبان در مناطق تحت نفوذ دولت ارمنستان و شهروندان ارمنی زبان ساکن در مناطق تحت نفوذ دولت آذربایجان است. آنچه که برای اینها مهم است حفظ حاکمیت خود به قیمت کشتار و دامن زدن به نفرت قومی، ملی و مذهبی است. نفرت پراکنی ناسیونالیستی در



دو عاملی اصلی که خودکشی در ایران را گسترش میدهد

عبدل گپریان

بعنوان پدیده داده شده ای فرض میگیرد. برای بررسی این مسئله لازم نیست کسی برود و با مدارک کارشناسی در امور روانشناسی به مسئله خودکشی بپردازد.

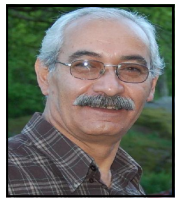
در جایی مثل ایران خودکشی معضلی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. دست یابی به آمارها و دلایل خودکشی ها میتواند کمک کند تا به یک بررسی همه جانبه تری دست یافت. با مرور و نگاهی اجمالی به آنچه بعنوان علت خودکشی ها در ایران عنوان میشوند میتوان دلایل اصلی آنرا بازشناخت و راه حل پایان دادن و یا کاهش آن را دم دست گذاشت. آنچه در خبرهای هر روزه پیرامون خودکشی ها عنوان میشوند عموماً اینها هستند، نداری، عدم تامین معیشت و نیازهای اقتصادی، تعصبات ناموسی مردان خانواده، اختلافات خانوادگی، ازدواجهای اجباری زنان، فشارهای روانی، مسایل فرهنگی، ناتوانی در مواجه شدن با سختیها و الی آخر.

و آنچه که در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی از دلایل اصلی خودکشی ها بشمار می روند و موارد بالا را شکل میدهند عبارتند از، یکم، فقر اقتصادی که از هر جنسیت و هر سن و سالی (زن، مرد، نوجوان و حتی کودکان) را میتواند در بر بگیرد. دوم، تحمیل قوانین، سنن و فرهنگ اسلامی و مردسالار حاکم که معنی سیاسی دارد می باشند. زنان و دختران جوان تحت تاثیر فشارهای این مورد بیشترین

در مورد پدیده خودکشی زیاد گفته میشود. دلیل اصلی پرداختن این موضوع افزایش روزافزون خودکشی ها در ایران است. این بدان معنا نیست که در دیگر کشورها با هر درجه از رفاه نسبی یا وجود آزادی ابراز وجود سیاسی و اجتماعی در این کشورها گویا خودکشی وجود ندارد. خودکشی در کشورهای اروپایی الزاماً از سر فقر و نداری نیست. چه بسا کس یا کسانی ابداً مشکل اقتصادی هم نداشته اند اما بنا به دلایل دیگر نظیر افسردگی یا به بن بست رسیدن برای ادامه زندگی یا نا امیدي یا در اثر عدم افق روشن برای فردای خود اقدام به خودکشی کرده باشند. فعلاً بحث بر سر پدیده خودکشی در کشورهای اروپایی نیست که خود میتواند موضوع و بررسی جداگانه ای را طلب کند. با اینحال نمیتوان به پدیده خودکشی یک بعدی نگاه کرد و گفت، فقر اقتصادی یا یاس و نا امیدي یا اینکه موروثی است و یا سرخوردگی سیاسی و دهها دلیل دیگر را بعنوان تک عامل برای آن برشمرد.

من عامل موروثی بطور مشخص و یا عامل ژنتیکی به معنای عام کلمه را بعنوان مواردی بسیار نادر در پله آخر تمام عوامل دیگر قرار میدهم. برجسته کردن دلایل ژنتیکی ما را از دخالت و دست بردن به ریشه اصلی آن یعنی، عوامل و دلایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حی و حاضر این مسئله بی وظیفه میکند و آنرا

ابراز نظرش ندارد و همه بازداشت شدگان باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. ولی از طرف دیگر مردم ایران، و امروز مردم آذربایجان و شهروندان ترک زبان ایران، باید هوشیار باشند که به دام ناسیونالیسم ترک نیافتند و شعارهای فاشیستی و قوم پرستانه آن‌ها را تکرار نکنند. برخی از شعارهایی که در تظاهرات آنها در برخی از شهرهای آذربایجان داده شدند، از جمله؛ "گورد، فارس ارمنی، آذربایجان دشمنی"، "محو اولسون ارمنی"، "یاالله، بسم الله، الله اکبر"، "هرکس کی بیطرفدی



خودکشی ها را رقم میزنند. این دو عامل اساسی شاخه های متعددی را از خود بروز میدهند که در افسردگی، یاس، نا امیدي، درماندگی و در یک کلام مواجه شدن با بن بست برای ادامه حیات خود را نشان میدهد. تحمیل فشار روانی ناشی از دو عامل فوق یعنی فقر اقتصادی از یک سو و از سوی دیگر، قوانین اسلامی، فرهنگ و سنن عقب مانده مردسالارانه حاکم بر جامعه ایران، سرمنشا و عامل بروز دلایل دیگر خودکشی ها هستند.

فکوس کردن و پرداختن به مسئله خودکشی ها در ایران، گویای وجود دلایل و دو فاکتور اصلی است که در بالا اشاره شد. با برداشته شدن فقر اقتصادی و برچیدن قوانین، فرهنگ و سنن مردسالارانه حاکم بر جامعه ایران، و به عبارت دیگر پایان دادن به بساط حکومت اسلامی، قطعاً آمار خودکشی ها اگر به صفر نرسد اما بشدت و بسرعت کاهش پیدا خواهد کرد. در یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و انسانی نمیتوان شاهد خودکشی کسی بود که بدلائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دست به این کار زده باشد.

۱۱ مهر ۱۳۹۹

۲ اکتبر ۲۰۲۰

انحراف کشاندن نفرت مردم از وضعیت موجود باید از طرف مردم آگاه عقیم گذاشته شود. مرگ بر جمهوری اسلامی ایران! زنده باد همبستگی مردم علیه حکومت های ضد مردمی منطقه! کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۳ مهر ۱۳۹۹ ۴ اکتبر ۲۰۲۰

**توطئه مشترک جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم ترک
در به انحراف کشاندن نفرت مردم از وضعیت موجود
باید از طرف مردم آگاه عقیم گذاشته شود.**

اطلاعیه های حزب در مورد اعتصابات و اعتراضات کارگری

روز جهانی معلم و بیانیه های معلمان، حمایت ۸۰ سندیکای جهانی از زندانیان سیاسی و دو خبر دیگر



۱۳ مهر روز جهانی معلم است و به این مناسبت تشکلهای مختلف معلمان با بیانیه هایشان و با اعلام خواستههایشان به استقبال این روز رفتند. دو خواست محوری این بیانیه ها تحصیل رایگان برای همه کودکان و آزادی معلمان زندانی است. از جمله شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران طی بیانیه ای به مناسبت روز جهانی معلم بر آزادی معلمان زندانی تاکید کرد. در همین رابطه انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه بیانیه ای داده اند و در آن بر خواستههایی چون استفاده از تجارب کشورهای پیشرفته در آموزش، جلوگیری از پولی کردن مدارس و ایجاد شرایط برابر برای دانش آموزان، برداشتن تبعیض جنسیتی در آموزش، پرداخت حقوق و دستمزد درخور و شایسته به فرهنگیان، ایجاد زیر ساخت هایی برای آموزش الکترونیکی، ایجاد مراکز ورزشی و تفریحی برای دانش آموزان تاکید کردند. همچنین انجمن صنفی معلمان کردستان، سقر و زیویه با تبریک روز جهانی معلم بر آزادی معلمان زندانی، پرهیز از پرونده سازی علیه فعالین صنفی و مخومه نمودن پرونده سازی ها، ربودن چهره امنیتی از فضای آموزشی، آموزش با کیفیت و رایگان، و به رسمیت شناختن تشکیلاتی مستقل تاکید کردند.

روز دوم اکتبر (۱۱ مهر) ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری در سراسر دنیا طی بیانیه ای خواستار آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی در ایران شده اند. در این بیانیه به وضعیت جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران بخاطر دفاع از حقوق کارگران، و وضعیت بشدت وخیم و خیم زندانیان سیاسی دیگری نظیر اسماعیل عبیدی و محمد حبیبی، دو معلم زندانی سیاسی و نسرین ستوده وکیل دادگستری در زندان اشاره شده است. در این نامه همچنین به دستگیری های اخیر از جمله بازداشت سه عضو کانون نویسندگان ایران به نام های بکتاش آبتین، رضا خندان و کیوان باژن (با محکومیت های ۳ تا ۶ سال) در چهارم مهرماه اشاره شده است. نکته دیگر مورد تاکید این نامه وضعیت زندانها و شیوع بیماری کرونا است. و در آخر بر آزادی جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبیدی، محمد حبیبی و نسرین ستوده و کلیه زندانیان سیاسی و حفاظت از تمامی زندانیان در برابر کرونا و ارائه خدمات درمانی به آنها تاکید شده است.

روز شنبه ۱۲ مهر، جمعی از کارگران شرکتی مخابرات در اعتراض به سطح نازل حقوق مقابل وزارت ارتباطات تجمع کردند. بنا بر خبر این کارگران علیرغم داشتن تخصص هنوز به اندازه حداقل دستمزد تعیین شده شورای عالی کار مزد میگیرند و این مبلغ چند برابر زیر خط فقر است.

کارگران شعار میدادند: "مخابرات حیا کن مارا ادا کن".

روز شنبه ۱۲ مهر کارگران فضای سبز اخراجی شهرداری منطقه ۲ اهواز در ادامه اعتراضاتشان به خاطر اخراج از کار وعدم پرداخت مطالباتشان مقابل ساختمان شهرداری مرکزی این شهر تجمع کردند. پیش از این نیز این کارگران در روز چهارشنبه هفته گذشته مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع داشتند. به گفته کارگران پروژه «کمریند سبز» از سالها پیش با هدف بیابانزدایی و مقابله با ریزگردها در شهر اهواز ایجاد شده است. حدود ۴۰ نفر از این کارگران در این پروژه تحت مسئولیت پیمانکار مشغول به کار بودند. از ابتدای تیر ماه ۲۲ نفر آنها با سوابق کاری حدود هشت سال اخراج شده و دو ماه نیز دستمزد طلب دارند. کارگران اخراجی خواستار بازگشت به کار و پرداخت فوری طلبهایشان هستند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ مهر ۱۳۹۹، ۱۳ اکتبر ۲۰۲۰

دومین روز تجمع اعتراضی کارگران اخراجی شرکت مینا و سه خبر دیگر

روز دوشنبه ۱۴ مهرماه ۲۷ کارگر اخراجی شرکت مینا پالایشگاه بید بلند ۲ بهبهان برای دومین روز در مقابل درب پالایشگاه تجمع کرده و خواستار بازگشت به کار خود شدند. این کارگران بصورت قراردادی برای شرکت مینا کار میکردند که به دستور مدیریت از کار برکنار شده، و نیروهای جدید جایگزین آنها شده اند.

روز ۱۴ مهر گروه شورای بازنستگان ایران به مناسب روز جهانی معلم و در حمایت از معلمان زندانی در توستر و اینستاگرام با هشتگ #معلمانزندان، به خانواده های دانش آموزان، دانش آموزان، معلمان و تمامی انسانهای آزادیخواه فراخوان داده است که با معلمان زندانی ابراز همبستگی و حمایت کنند. هم اکنون اسماعیل عبیدی، محمد حبیبی، ناهید فتحعلیان، یاسر امین آذر، محمد علی زحمتکش، مهدی فراخی شاندیز و زینب همزنگ از جمله معلمان در بند هستند. با موج وسیعی از اعتراض به اشکال مختلف باید خواهان آزادی معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی شد.

بنا بر خبرهای منتشر شده روز چهارشنبه ۱۴ مهر زندانیان سیاسی زندان تهران بزرگ بدون اطلاع قبلی و با اجبار از تیپ ۵ به بندی در تیپ ۲ انتقال داده شدند. این زندانیان با مشاهده وضعیت نامناسب و غیر بهداشتی بند جدید دست به اعتراض و اعتصاب غذا زدند. با اعتراض جمعی زندانیان، مسئولین زندان ناچار به پاسخگویی شدند و مواد شوینده و بهداشتی در اختیار زندانیان قرار دادند و قول دادند که به خواستههای زندانیان توجه کنند. اشاره کنیم که بسیاری از دستگیر شدگان اعتراضات آبان ماه و همچنین محمد حبیبی عضو کانون صنفی معلمان و شاپور احسانی راد از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد

کارگران ایران در این بند محبوسند.

روز ۱۴ مهر مریبان پیش دبستانی شهرستان ایزد با تحصن در اداره کل آموزش و پرورش خوزستان خواستار تبدیل وضعیت خود به حق التدریسی و استخدام خود در آموزش و پرورش شدند.

روز ۱۳ مهر ۳۰۰ راننده تانکر در اعتراض به وضعیت فقیرانه درآمد و معیشت خود جاده اصلی گذرگاه رویزخان در اقلیم کردستان را مسدود کردند. این رانندگان خواهان تحویل بارهای سوختی در مرز هستند تا آنها مواد سوختی را به شهرهای کردستان عراق حمل کنند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ مهر ۱۳۹۹، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۰

اعتراضات کارگری در چند مرکز نفتی



بنا بر خبرهای دریافتی کارگران پیمانکاری در برخی از مراکز نفتی از جمله در شرکت های جنیدی شاپور در فار یک، پتروشیمی سبلان، شرکت تناوب واقع در فاز ۱۴ در کنگان، شرکت های فاز ۲۲ و ۲۴، شرکت آزمون فلز، پارس کنگان فاز ۱۳ و شرکت اکسیر علیرغم وعده های پیمانکاران هنوز به مطالباتشان نرسیده اند. در برابر اعتصاب گسترده کارگران پیمانکاری پایپینگ و جوشکاری در شمار بسیاری از شرکت ها در نفت و پتروشیمی و نیروگاهها پیمانکاران از ترس گسترش دامنه این اعتراضات عقب نشینی هایی کردند و وعده و وعید هایی دادند. اما در خیلی جاها این وعده ها عملی نشد و بعد از بازگشت کارگران به سرکار پیمانکاران برای شکستن صف متحد اعتراض، اعلام کردند که کارگران برای گرفتن مطالباتشان تا تک به تک مراجعه کنند. بدین ترتیب در برخی شرکت ها مبلغی به مزد کارگران پایپینگ و جوشکار اضافه شد و یا طلب کارگران تسویه گردید. اما در بسیاری دیگر افزایش مزدی صورت نگرفته است و هنوز بخشی از کارگران حتی دستمزدهای معوقه خود را نگرفته و بعضا تا ۴ ماه مزد طلب دارند. این درحالیست که کوچکترین اقدامی برای بهبود وضع خوابگاهها و غذاخوری ها و وضعیت کاری و معیشتی کارگران صورت نگرفته است. و وقتی کارگران به این وضعیت اعتراض میکنند به اخراج و قرار گرفتن نامشان در لیست سیاه تهدید میشوند.

در مقابل این خلف وعده ها و ترندهای پیمانکاران بخشی از نفتگران حاضر به مذاکره فردی نشده و همچنان سر کار نمیروند. بسیاری از کارگرانی هم که مراجعه کرده اند اکنون پشیمانند. این چنین است که زمزمه های اعتصاب و اعتراض در میان کارگران پیمانی در شرکت های مختلف نفت و موسسات وابسته به آن دوباره بالا گرفته است. بعلاوه اینکه اعتصابات اخیر یک نقطه عطفی در فضای مراکز نفتی و موسسات وابسته به آن ایجاد کرد و اکنون دیگر

صدای اعتراض نفتگران از جاهای مختلف شنیده میشود. چند نمونه از اعتراضات در مراکز نفتی و وابسته به آن در چند روز اخیر به قرار زیر است:

روز ۹ مهر جمعی از کارکنان نیروگاه گازی سیکل ترکیبی آبادان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود در مقابل درب ورودی این نیروگاه دست به تجمع زدند.

روز ۹ مهر در ادامه اعتراضات قبلی، کارگران بخش خدمات شرکت پتروشیمی اروند در اعتراض به محرومیت از امنیت شغلی و اقدام پیمانکار جدید به انعقاد قرارداد حجمی دست به تجمع زدند. با این شکل از قرار داد کارفرما بدون در نظر گرفتن تعداد مورد نیاز از کارگران کار سنگینی را میکشد. و بطور مثال در جایی که نیاز به ۴ کارگر است پیمانکار میخواهد با یک کارگر کار خود را به پیش برد. کارگران پتروشیمی اروند به این بساط بردگی و چپاول اعتراض دارند.

روز ۸ مهر کارگران بخش های مختلف شرکت برق ویس (رامین) در اعتراض به تعویق پرداخت حقوق و سایر مزایای شغلی، چندین ماه حق بیمه و به اجرا گذاشتن طرح خصوصی سازی در این نیروگاه و اخراج ها بار دیگر در مقابل ساختمان شرکت در اهواز تجمع کردند. همانطور که قبلا نیز گزارش کردیم واگذاری ۴۹ درصد از سهام این نیروگاه به بخش خصوصی از چندی پیش آغاز شده است. پشت این واگذاری ها چپاول و دزدی و تعرض به زندگی و معیشت کارگران قرار دارد و کارگران تجربه آنرا دارند و به آن معترضند. کارگران خواستار توقف این خصوصی سازیها و پرداخت فوری طلبهایشان هستند. کارگران میگویند در صورت انجام این واگذاری ها باید حقوق آنها ۶۵ درصد افزایش یابد و مطالبات دیگر آنان چون حق مناطق جنگ زده و حق مسکن پرداخت شود. به گفته کارگران با توجه به اینکه تعداد نیروی پیمانکاری در این نیروگاه بیش از نیروهای رسمی است با واگذاری سهام به بخش خصوصی، شمار زیادی از آنها شغل خود را از دست خواهند داد و خواستار رسمی شدن قراردادهایشان هستند. تعداد کل کارکنان پیمانکار نیروگاه رامین ۹۵۲ نفر است.

روز ۵ مهر کارکنان نفت عضو پروژه ۲۰۰۰ واحد مسکن مهر نفت اهواز در اعتراض به بلاتکلیفی ۱۰ ساله تحویل مسکن هایشان همزمان با بازدید نمایندگان مجلس اسلامی با همراهی مدیر کل راه و شهرسازی استان خوزستان از محل این پروژه، تجمع کرده و خواهان به سرانجام رساندن بیش از ۷۰۰ واحد نیمه کاره و بی سرانجام شدند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ مهر ۱۳۹۹، ۱۱ اکتبر ۲۰۲۰

خلع ید از اسدیگی یک موفقیت برای کارگران هفت تپه است جدال کارگران برای دیگر خواستها ادامه دارد

روز ۹ مهر پنجمین نشست کمیسیون ویژه مجلس اسلامی بر سر مالکیت نیشکر هفت تپه و بررسی وضعیت این مجتمع ۵ هزار نفره کارگری

اطلاعیه های حزب ...

از صفحه ۷



برگزار شد. نشست روز نهم مهر ماه با حضور علی نیکراد نایب رئیس مجلس، علی خضریان نماینده تهران و سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، سید نظام الدین موسوی نماینده مجلس از تهران و عضو کمیسیون اصل ۹۰، علی موسوی نماینده مجلس در شهر ملکان و عضو کمیسیون صنایع مجلس، رئیس سازمان خصوصی سازی، نمایندگان از وزارت کار و اقتصاد، و نماینده استاندار خوزستان و همچنین جمعی از نمایندگان کارگران هفت تپه در مجلس شورای اسلامی برگزار شد. در این نشست سرانجام دولت و مجلس و نمایندگان ریز و درشت حکومتی از قوای سه گانه حکومتی و مسئولان استان بعد از توی سر هم کوبیدن بسیار ناگزیر به تسلیم در برابر خواست کارگران شدند و رای به خلع ید از اسدبیکگی و باند مافیایی او از نیشکر هفت تپه دادند. قرار است این کار نهایتاً تا یک ماه و نیم دیگر انجام گیرد. بعلاوه مقرر شد که تا ۱۵ مهرماه تمام طلبها و حقوق و اضافه کاری تیرماه و مردادماه کارگران پرداخت شود.

این تصمیمات یک موفقیت مهم برای کارگران نیشکر هفت تپه است. بیش از سه ماه اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه و مبارزات چند ساله آنان علیه باند دزد و چپاولگر اسد بیکگی بالاخره آنها را به تسلیم واداشت. امروز دهم شهریور کارگران نیشکر هفت تپه این پیروزی را به عنوان اولین سنگر فتح شده خود جشن گرفته اند. حزب کمونیست کارگری این موفقیت بزرگ را به کارگران نیشکر هفت تپه تبریک میگوید

در همین جلسه تاکید شده است که تا نیمه آبانماه حداقل ۳ هزار هکتار نیشکر کشت شود تا کارخانه ادامه حیات پیدا کند. کارگران قبلاً این بهانه را هم از حکومتی ها و باند اسد بیکگی گرفته اند و علیرغم اعتصاب، موافقت کرده بودند که کارگران بخش کشت به کار خود ادامه دهند و مانع به حراج گذاشتن زمینهای شرکت شدند. بنابراین تاکید مجلسیان روی ادامه کشت فقط برای گرفتن یک پز تعرضی علیه کارگران است. پیگیری امر کشت به استاندار سپرده شده است که البته خود همدمست باند اسد بیکگی است و یک سر اختلاس ها در هفت تپه بوده است. وعده دیگری که داده شده است تمهید دفترچه های بیمه کارگران تا آخر سال است که قبلاً قولش داده شده بود و هنوز اجرایی نشده است.

قابل توجه است که در حالیکه مجلس و حکومتیان ناگزیر به چنین عقب نشینی هایی در

برابر اعتراضات کارگران شده اند، با احضارها و تهدید کردن ها و حتی بصورت تعرض به کارگران معترض تلاش دارند، فضای این مجتمع ۵ هزار نفره را تحت کنترل داشته باشند. ازجمله امروز دهم مهرماه دو نفر از کارگران به اسامی عظیم کثیر و قاسم کثیر جهت بازجویی و با اتهامات راه اندازی اعتصاب به پاسگاه احضار شدند. در روزهای قبل نیز ۵ نفر از کارگران به اسامی محمد امین حجازی، محمد عبدالخانی، میلاد لطیفی، رحیم حمدانی (از بخش داخلی کارخانه) و احمد شلاکه از بخش کشاورزی و غیرنیشکری به پاسگاه احضار شده اند. در برابر این احضارها و اینگونه تشبثات کارگران با تاکید بر اتحاد همه بخش های نیشکر هفت تپه، اعلام کرده اند که از همکاران خود با تمام قدرت حمایت میکنند و تصمیم به اعتصاب نه از سوی یک نفر یا چند نفر بلکه تصمیم شورایی و متحدانه همه آنها بوده و بر حق اعتصاب به عنوان حق مسلم و قطعی خود تاکید کرده اند. کارگران اعلام کرده اند که در صورت ادامه احضارها تجمعات اعتراضی خود را از سر خواهند گرفت.

خلع ید از اسدبیکگی و باندش در راس خواستهای کارگران نیشکر هفت تپه قرار داشت. اما در این رابطه کارگران اعلام کرده اند که کلاً با هیچ نوع خصوصی سازی و سپردن شرکت به دست یک دزد دیگر موافقت نخواهند کرد. باید دولت کسی را به شرکت گسیل کند و تحت نظارت کارگران شرکت اداره شود. فعلاً سرنوشته چگونگی مالکیت شرکت هنوز روشن نیست. به گفته کارگران حتی اگر حقوق تیر و مرداد هم پرداخت شود آنها مزد شهریور را هم طلب دارند. ضمن اینکه یک خواست مهم دیگر آنها بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی از تمام بخش های شرکت است. همچنین کارگران خواستار بازگشت به کار اسماعیل بخششی و سه همکار دیگرشان هستند که در جریان اعتراضات سال ۹۷ بازداشت شده بودند و بعد از اعتراضات وسیع آزاد شدند و پرونده هایشان مسدود شد. بدین ترتیب جدال هفت تپه بعد از این موفقیت نیز ادامه خواهد یافت و کارگران متحدانه بر سر خواستهای خود ایستاده اند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ مهر ۱۳۹۹، ۱ اکتبر ۲۰۲۰



ادامه جدال کارگران نیشکر هفت تپه
اخراج مدیران باند اسد بیکگی
توسط کارگران

همانگونه که قبلاً خبر داده ایم بعد از سه ماه اعتصاب و راهپیمایی بالاخره مجلس اسلامی و باندهای حکومتی هفته گذشته رای به خلع ید از اسد بیکگی دادند. بعلاوه یکی از خواستهای کارگران اخراج مدیران بازنشسته و همدمست اسد بیکگی از جمله اخراج اشخاصی چون آمیلی، کایوانی، بهاری، صابریان، کریمی پور یک خواست مهم کارگران بوده است. زیر فشار اعتراض کارگران بنا بر خبرهای قبلی مقرر شده بود که تعداد پنجاه نفر از مدیران بازنشسته که به کار بازگردانده شده بودند نیز همزمان با خلع ید از اسد بیکگی از شرکت اخراج شوند. اما این وعده عملی نشد و بعد بحث هایی به راه افتاد که این مدیران فقط ساعتی محدود بر سر کار هستند و عملاً کاری ندارند و توجیهاتی از این قبیل. اما کارگران با آوردن مدارک لازم جلوی این توطئه گری ایستادند و خواستار اخراج این مدیران شدند ولی اقدام جدی ای صورت نگرفت.

به همین دلیل روز ۱۵ مهر کارگران متحدانه خود جهت اخراج مدیران بازنشسته از شرکت دست به اقدام زدند. در این روز کارگران نیشکر هفت تپه هرمز کاهکش از مدیران بازنشسته بازگردانده شده به کار بعنوان مسئول امور مالی و از همدستان اسدبیکگی در اختلاسها و سرکوب اعتراضات کارگران را از شرکت بیرون انداختند. هرمز کاهکش نفر اول سند سازی های جعلی و فاکتور سازی های دروغین اسدبیکگی برای رانت خواری و گرفتن ارزهای میلیاردی بوده است و بعد از بازگشت نیز بعنوان مدیر امور مالی نیشکر هفت تپه منصوب شده بود. کار اصلی او تقلب و سند سازی برای دزدی باند اسد بیکگی و تعرض به حقوق کارگران حتی دستکاری در تایم شیت های کارگران و کم کردن اضافه کاری آنها بوده است.

صابریان یکی دیگر از مدیران بازنشسته باند اسدبیکگی است که با دیدن خشم و اعتراض کارگران خود فراری شد. بدنبال آن تعدادی از کارگران برای اخراج بهاری یکی دیگر از مدیران بازنشسته مراجعه کردند که محمد ظهیری فردی که به خاطر خوش خدمتی هایش پست سرپرستی بخش تراشکاری به او داده شده است، در دفاع از بهاری درگیر شد و کارگران نیز پاسخش را دادند. بدینگونه است که کارگران نیشکر هفت تپه با عمل مستقیم خود و قدرت اتحاد شورایی خود بر سر خواستهایشان، مستقیماً با باند مافیایی اسدبیکگی در هفت تپه در جنگ و جدال هستند و آنها را قدم به قدم عقب میزنند.

یک اعتراض دیگر کارگران اینست که بدنبال اعتصاب کارگران، وعده داده شد که تمام دستمزد تیرماه و مزد شهریور ماه کارگران نیشکر هفت تپه پرداخت میشود. اما هنوز از این وعده هم خبری نشده است. کارگران نیشکر هفت خواستار پرداخت فوری تمامی طلبهایشان و تمهید دفترچه های بیمه خود هستند.

یک خواست دیگر کارگران نیشکر هفت تپه

بازگشت به کار کارگران اخراجی در تمام بخش های این مجتمع کارگری است. تا کنون کارگران موفق شده اند بخش زیادی از همکاران اخراجی خود را سر کار بازگردانند. اما هنوز حدود ده نفری باقی مانده اند. کارگران خواستار بازگشت به کار همه همکاران اخراجی خود در بخش های مختلف شرکت هستند. همچنین بازگشت به کار اسماعیل بخشی رهبر محبوب و سه کارگر دیگر هفت تپه که در جریان اعتراضات سال ۹۷ بازداشت شده بودند و بعد با قدرت اعتراض کارگران آزاد و پرونده شان بسته شده است، یک خواست مهم کارگران است.

آخرین خبر اینکه مدیران فاسد نیشکر هفت تپه در اقدامی ضد کارگری برای تعداد زیادی از کارگران (در حدود هفتصد کارگر) لیست اضافه کاری تیرماه را رد نکرده اند. ۴۰ نفر از این کارگران از فعالان و نمایندگان کارگری و یا کارگران فعالی هستند که در بخش های مختلف کار میکنند و بخاطر دفاع از حقوق کارگران زیر تعرض قرار گرفته اند. اسامی شماری از این کارگران عبارتست از: منصور رش، ابراهیم عباسی منجزی، حسن کهنکی، حسین حمدانی، محمود خدایی، عادل سرخه، مهدی حجازی، مسلم چشمه خاور، امید آزادی، یوسف بهمنی، امید ابراهیمی، محمد امین حجازی، عبدالساده کعب، محمد امیدوار و فیصل ثعالبی و

به این ترتیب نیشکر هفت تپه همچنان صحنه تقابل کارگران با حکومت و باند مافیایی بخش خصوصی است و پنج هزار کارگر هفت تپه در این جدال متحدانه ایستاده اند و بر خواستهای خود پافشاری میکنند. هفت تپه یک کانون جدال با شکوه و فراموش نشدنی طبقه کارگر با مافیای سرمایه داری و حکومت اسلامی شان است و باید فعالانه صدای کارگران نیشکر هفت تپه را در سطح جامعه در سطح جهان بازتاب داد. زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه!

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ مهر ۱۳۹۹، ۱ اکتبر ۲۰۲۰

**سرنگون باد حکومت
چپاول و جنایت اسلامی**

خیزش عظیم مردم در راه است. جنبش دلخواهی و جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و کسری حقوق، به احکام اعدام اعتراضات و اعتصابات کارگران حمایت جنبش، اعتصابات و تجمعات را مستحق دهنده، برای اعتصابات سراسری آماده شویم، قریبگاه های مصلحت را مستحکم و معتدله، هرجا که شته میزنیم و اویزان حکومت را مکتوبهای مذهب، همه جا و در هر نسج و اعتراضی شعار معیشت مردم باید، تأمین شود و فریاد بزنیسم و منتظوران را از هر طرفه تحت فشار قرار دهیم.

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358405758250
E-mail: abdogolparian3@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!